

راه‌های کنترل طغیان جنسی از منظر قرآن و حدیث

عصمت زایر ابراهیمی^۱، محمد مهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ سطح دو (کارشناسی)، مدرسه علمیّه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

رفع نیاز جنسی باید به اعتدال باشد و از افراط و تفریط به دور، و این مهم را به عنوان تربیت جنسی دانسته‌اند، زیرا افراد در رفع نیاز جنسی، فروگذاری عقل و دین است و با هدایت سعادت و کمال در تعارض جدی است. تفریط در آن نیز، خروج از حوزه اعتدال و عدل و کجروی در انجام سنت نبوی است و علاوه بر این آنان که از ازدواج سر باز می‌زنند، در برقراری ارتباط اجتماعی ناتوانند. و تهذیب باطن هم بدون ازدواج کردن ناقص می‌ماند. زنا زشت‌ترین آلودگی جنسی است که پیامدهای بسیار شوم و ویرانگری دارد و منشاء آن از هم پاشیدگی خانواده‌ها، فتنه، خودکشی، اعتیاد، بی‌رحمی و بسیاری از جنایات بزرگ می‌گردد. حفظ افراد جامعه از انحراف، فساد و تباهی، از اهدافی است که در این مقاله برای رسیدن به آن، تلاش شده است جمله معروف پیشگیری بهتر از درمان است اگرچه معمولاً در مورد بیماری‌های جسمی گفته می‌شود، ولی در امور روانی نیز جریان دارد و شاید در امور جنسی بیشترین تاثیر را داشته باشد زیرا درمان افراد مبتلا به انحراف جنسی و برگرداندن آنها به حالت طبیعی کاری بسیار دشوار است. روش جمع‌آوری مقاله حاضر به روش کتابخانه‌ای بوده است.

واژه‌های کلیدی: استعانت، تبرّج، تقوا

مقدمه

وجود غریزه جنسی در نهاد انسان، جز غریزه های مادی (فیزیولوژیک) و ثانویه است؛ به این معنا که تمایل جنسی، یک تمایل طبیعی است که در آفرینش انسان، قرار داده شده است. این غریزه به این دلیل ثانویه است که اگرچه مانند غرایز اولیه - فعل تشنگی، گرسنگی و خواب - عدم ارضای صحیح آنها، باعث مرگ انسان نمی شود، اما به ایجاد اختلالات بیشماری در انسان می انجامد که به صورت های مختلف خود را نشان می دهند. از قبیل بیماری های روانی مانند: وسواس و افسردگی؛ انحرافات جنسی مانند استمنا و همجنسگرایی؛ اختلالات جنسی مانند سردمزاجی، ناتوانی جنسی، بزهکاری و جنایت.

همان گونه که جسم آدمی مبتلا به بیماریهای مختلفی می شود و ضرورت دارد تا برای آن به تدبیر و چاره اندیشی پرداخت، برای روح آدمی نیز بیماریهایی وجود دارد که هرگاه از آن آگاهی نیابیم و به درمانش اهتمام نوزیم، جان را زنگار آلودگی ها فرا می گیرد و انسان در ورطه ی تباهی خواهد افتاد. مطابق آیات و روایات، یکی از مهمترین بیماریهایی که جان آدمی را می آزد و فرسوده می کند شهوت است. آنانی که اسیر شهوت هستند آزادی خویش را از دست داده اند. و چون شهوت انسان را به اسارت خویش در آورد، لاجرم او را ذلیل می سازد.

اسلام، غریزه جنسی را به عنوان یکی از نیازهای انسان به رسمیت شناخته و آن را موهبتی الهی و امری فطری و طبیعی می داند و علاقه و تمایل زن و مرد به یکدیگر را امر پسندیده و نیکو می داند که هیچ زشتی و پلیدی ندارد.

علاقه جنسی نه تنها با معنویت و روحانیت منافات ندارد بلکه جزو خلق و خوی انبیاست. سرکوب کردن غریزه جنسی هم بیماری های روانی و انحرافات جنسی را به دنبال دارد.

طغیان جنسی در دوران گذشته هم متأسفانه وجود داشته به طوریکه در مسیحیت در زمان حضرت عیسی (علیه السلام)، به حواریون توصیه می فرمودند که از زنا دوری کنند و معلوم می شود از همان دوران، پیامبران مردم را از این عمل شنیع نهی می کردند و راه کنترل را به آنها یادآور می شدند که پوشش، گفتار و رفتارشان را در ارتباط با نامحرم مورد توجه قرار دهند تا در این دام نیفتند و دچار گناه نشوند. تا جایی که حتی خداوند در قرآن به راه کنترل طغیان جنسی اشاره می کند و پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) بسیار در باب کنترل طغیان شهوت و مبارزه با افراط با مردم سخن گفته و روایاتی هم بیان شده است.

با توجه به بررسی های انجام شده در زمینه ی طغیان جنسی و راههای کنترل آن، تعداد زیادی از کتابها و مقالات به طور عام به این مسئله پرداخته اند. مانند کتاب «تربیت جسمی، مبانی اصول و روشها از منظر قرآن و حدیث» از علی نقی فقیهی در تاریخ ۱۳۷۸ و «خانواده و مسائل نوجوان و جوان» از علی قائمی در تاریخ ۱۳۶۰ و مقالاتی همچون «راهکارهای مقابله با انحرافات جنسی در قرآن کریم» از نسرین آجدانی و طاهره سادات طباطبایی امین در تاریخ ۱۳۹۰، «درآمدی بر جایگاه اخلاق در ازدواج و حقوق خانواده» از محمد مهدی زارعی در تاریخ ۱۳۹۰ اشاره کرد. اما آنچه که در این مقاله درصدد آن هستیم با استفاده از آیات قرآن کریم و تبیین و تفسیر آنها در مورد هر یک از راههای کنترل طغیان جنسی و همچنین در روایات معصومین و کتب و مقالات به شناختن این راهها پردازیم.

حال اینک این سوال مطرح می شود که راههای کنترل طغیان جنسی چیست؟ آیا در این زمینه روایاتی مطرح شده است؟ آیا دوری از تبرج، آمیزش مشروع و استعانت از خداوند و تقوا پیشه کردند از راههای کنترل طغیان جنسی است؟ بنابراین هدف از این مقاله شناخت راههای کنترل طغیان جنسی برای نسلهای امروزی که با رفتارهای نامشروع در جامعه از جمله بی حجابی مواجه هستند بیان کنیم.

۱. مفهوم شناسی واژگان

۱-۱. «استعانت» در لغت و اصطلاح

«استعانت» در لغت به معنای «یاری خواستن یاری گرفتن کمک خواستن معاونت طلبیدن» (معین، ۱۳۸۶: ۲۱۰/۱) در اصطلاح استعانت اینگونه تعبیر می‌شود «کمک خواستن شخص از خدا برای دریافت قدرت و توان برای انجام دادن کار یا برای سهولت انجام دادن آن است به گونه‌ای که از هموعان وی نیز کمک خواسته نیست». (سایت ویکی فقه (دانشنامه حوزوی)، استعانت، تاریخ و ساعت دانلود: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴، ۲۳:۵۵، <http://wikifeqh.ir>)

۱-۲. «تبرج» در لغت و اصطلاح

«تبرج» در لغت به معنای «خویشتن برای آراستن، خویشتن بیا راستن، خود را آراستن»، «تبرج زن؛ نمودن زینت خود به مردان را». (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱۳/۵)

معنای اصطلاحی «تبرج» برگرفته از آیه ۳۳ سوره احزاب است که خطاب به همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است اما در تفاسیر همه زنان را مشمول این حکم دانسته‌اند بر اساس شواهد قرآنی تبرج متخصص در زنان نیست طبقه در اسلام حرام است. (ابن کثیر، بی تا: ۷۹۶/۳)

۱-۳. «تقوا» در لغت و اصطلاح

در لغت «تقوا» به معنای «پرهیزکاری درستکاری اطاعت از خدا» معنی شده است (معین، ۱۳۸۶: ۸۶۷/۲ و ۸۶۸) «تقوا» در اصطلاح به معنای «خود نگهداری و مخالفت نکردن با دستورات الهی است و اولین مرحله تقوا که بر همه انسانها واجب است و سبب نجات از عذاب الهی می‌شود انجام واجبات و ترک محرمات که باشد». (کانون نشر احکام، ۱۳۹۲: ۲۷/۱)

۲. راه های کنترل طغیان جنسی

هنگامی که شهوت بر آدمی امیر باشد، انسان در دستان وی اسیر است. اسلام با دستور، اولین مرحله‌ی ممنوع ساختن روابط نامشروع جنسی، میان یک مرد و زن بیگانه را تحقق داده و صریحاً اعلام می‌دارد که باید روابط نامشروع از همین ابتدا کنترل شود و هیچ مرد و زن بیگانه‌ای را هدف نگاه شهوت آمیز خود قرار ندهد. عمل ناشایست زنا، که آخرین مراحل خطرناک روابط نامشروع است، از هیجان جنسی انسان سرچشمه می‌گیرد. همانگونه که باید برای درمان بیماریهای جسمی به تدبیر پرداخت، چاره اندیشی برای درمان بیماریهای روحی نیز ضرورت دارد. (ابراهیمیان، ۱۳۷۹: ۱۰۱) به همین دلیل در این قسمت قصد داریم به ذکر چند راه مؤثر در طغیان جنسی و شهوت به منظور کنترل آن با توجه به آیات و روایات بپردازیم.

۱-۲. پیشگیری از محبت جنسی زود هنگام

برای پاسخ دادن به نیازهای طبیعی محبت و پیشگیری از روابط جنسی محبتی قبل از ازدواج، باید والدین با مهرورزی به کودکان و نوجوانان و زمینه‌سازی برای محبت کردن آنان به دیگران، در جهت رشد مطلوب این خواسته طبیعی اقدام کنند و زمینه احساس کمبود محبت را از بین ببرند، تا مبدا فرزندانشان برای جبران آن، به روابطه جنسی زود هنگام و یا انحرافی، روی آورند. (فقیهی، ۱۳۷۸: ۹۲)

۲-۲. اصل پرهیز از تبرج

زیبایی‌ها موجب جاذبه میان انسان‌ها می‌شوند و روند ارتباط را تسهیل می‌کنند و می‌توانند شهوت جنسی را برانگیزند و موجب ارتباط جنسی نیز شوند، از این در مواردی که روابط جنسی منع شده‌اند، باید از خوآرایی و نمایان ساختن زیبایی‌های

خود پرهیز نمود. این امر، به عفت و خویشتن داری جنسی جوانان کمک شایانی می نماید و از تحریکات نابجای آنها جلوگیری می کند. بسیاری از آموزه های دین در قلمرو کنترل شهوت جنسی، بر همین اصل استوار است. (همان، ۸۳)

۳-۲. آمیزش مشروع (ازدواج)

اسلام ازدواج را مایه حفظ دین می داند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به مردی که دائماً در مسجد مشغول عبادت بود فرمود: آیا زن داری؟ گفت: نه. فرمود کنیز داری؟ عرض کرد: نه. سپس فرمود: توانگری؟ گفت: آری. فرمود: برو ازدواج کن و گرنه از راهبان نصاری هستی. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴/۱۵۶)

در روایتی برادران شیاطین و در روایتی دیگر از گناه کاران خواهی بود. بنابراین، فلسفه ازدواج در اسلام در مرحله اول به تکامل معنوی بشر، محبت و تقرب الهی بر می گردد و پس از آن بر بقای نسل، حفاظت از فطرت و کرامت انسان، عفت و حیاء فردی و اجتماعی او در قلمروی اخلاق دلالت دارد. اسلام برای رسیدن به این هدف مطلوب، ابتدا الگوی ازدواج دائم را به عنوان بهترین روش پیشنهاد کرده و سپس ازدواج موقت را به عنوان یک الگوی مشروع و بر پایه واقعیت و نیاز های طبیعی که در جوامع قبلی پی ریزی شده بود، مشروعیت بخشیده است و عقل نیز آن را تأیید می کند لذا، رسماً آن را پذیرفته است علامه طباطبایی نیز در یک نگاه اخلاقی، فلسفه تشریح نکاح، بالآخر نکاح موقت را از باب تسهیل دینی برای بندگان و سد طریق فحشاء و قطع ریشه های فساد می داند شهید مطهری، در رویکرد اخلاقی به الگوی ازدواج در اسلام معتقد است که پیمان استوار و زندگی طبیعی میان زوجین همان ازدواج دائم است. پس اگر این نوع ازدواج به تنهایی قادر به رفع احتیاجات بشر نبود، برای جلوگیری از اغوطه ور شدن در کمونیسیم جنسی و با گرایش به رهبانیت، الگوی ازدواج موقت به عنوان راه حل اضطراری تشریح شده است. به هر حال، تشکیل خانواده بر اساس عقد دائم در اسلام، پیمانی مقدم و امیثاق غلیظ، به شمار می رود.

همان گونه که قبلاً بیان شد، از نظر اسلام، ازدواج برای رضایت پروردگار و تقرب به ذات حق انجام می گیرد. یعنی شخص با ازدواج، به خواست فطری خود پاسخ داده است. به این مفهوم که انسانها فطرت، اخلاق گرا هستند و از طرفی نوعاً برای جواب به غریزه جنسی نقش آفرینی می نمایند. بازی در این نقش به واسطه تمنای ارتباط با جنس مخالف محقق می شود. شروع فعالیت این غریزه خدادادی در سنین مشخص موجب برقراری رابطه جنسی و آمیزش با جنس مخالف می شود. پاسخ گویی به این غریزه از ناحیه هر انسان، باید عاقلانه، مشروع و بر اساس اصول اخلاقی باشد. از پیامدهای این ارتباط، پذیرش سنت الهی زوجیت است. بر این اساس، ازدواج در اسلام ریشه در سنت الهی داشته و هم گرایی با فطرت اخلاق مدارانه بشر دارد. (زارعی، ۱۳۹۰: ۷۸ و ۷۹)

افراط در رفع نیاز جنسی، فروگزاری عقل و دین است و با هدایت و سعادت در تعارض جدی است. تفریط در آن نیز خروج از حوزه اعتدال و سنت نبوی است. ازدواج پاسخ متعادل برای غریزه جنسی است. (فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ۶۵/۳)

۴-۲. ضرورت تشخیص و راهنمایی

اگر تربیت را مراقبتی از حیات در حال رشد بدانیم بخشی از آن متوجه خانواده، بخشی دیگر متوجه مدرسه و بخش سوم متوجه جامعه خواهد شد در وضع موجود معمولاً خانواده ها بار وظایف تربیتی را از دوش خود برداشته و بردوش مدارس گذاشته اند، و اتفاقاً تنهاسازمانی که به طور منظم در امر سازندگی اقدام می کند مدرسه است.

چه بسیارند استعدادهایی که در نسل‌ها موجودند، با افراد به دنیا می‌آیند و با او دفن می‌شوند. چه بسیارند خصایص روحی، ذوق‌هایی که در افراد وجود دارند و جهت یافته نیستند و این امر بدان نظر است که مدرسه از وظایف اساسی خود غافل است.

مدارس به اقتضای خوی و استعداد، صفات ظاهری و کشفیات باطنی افراد موظفند مهارتها و عادات اخلاقی ارزنده‌ای در افراد ایجاد کنند و آنها را افرادی مثمر و مفید برای جامعه بسازد. هر قدر مدارس در تعهد و اجرای این وظیفه صفا و صمیمیت نشان دهند و کوشش بیشتری ابراز نمایند. جامعه از وجود چنین نسلی سود بیشتری خواهد برد و به راحتی طغیان جنسی کنترل می‌شود. (قائمی، ۱۳۶۰: ۲۵۰)

۲-۵. استعانت از خدا

ما نیازمند یکدیگر هستیم و تنها است که بی‌نیازی مطلق است فقط خداوند بدون نیاز به دیگران می‌تواند به همه یاری برساند عوامل جذب یاری خداوند دعا صبر و تقوا هستند دعا کردن ساده‌ترین راه است برای جلب یاری خداوند و صبر و تقوا هم از راه‌های بهره‌مندی از یاری خداوند هستند پس باید با پرورش تقوا و یا از خداوند یاری طلبید و بر طغیان جنسی غلبه کرد همانگونه که هر روز چندین بار در سوره حمد در نماز مان از خداوند طلب یاری می‌کنیم «ایاک نعبد و ایاک نستعین؛ تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم». (حمد/۵)

۱-۲-۵. پرورش تقوا

پرورش تقوا به نحوی می‌توانند در پیشگیری از انحرافات اخلاقی و طغیان شهوت و غریزه جنسی نقش داشته باشند، اما آن چه بیش از همه ضروری است و به صورت زیربنایی در شخصیت و رفتار جوان مؤثر است. پرورش معنویت و تقویت ایمان و تقوای الهی است. ما در عصری زندگی می‌کنیم که جهان به شدت در مادیات فرو رفته و یک سره غرق در جاذبه‌های نفسانی و امور شهوانی گردیده است. در شرایط کنونی، خلأ عظیم و هولناکی از اخلاق و معنویت پدید آمده و تمامی مشکلات انسان‌ها نیز از همین جا ناشی شده است. اگر با تقویت ایمان و نیروی اراده، باورها و اعتقادات نوجوانان تقویت گردند، بدون شک بخشی از مشکلات آنان به ویژه در زمینه مسایل اخلاقی و شهوت و غریزه جنسی درمان می‌شود.

اگر نوجوان از ته دل باور نمود که تمام اعمال و رفتار او را خدا می‌بیند و بر اساس عملکرد افراد به آنها پاداش می‌دهد و اساساً سعادت و خوشبختی انسان به دست خودش می‌باشد، در این صورت احتمال اینکه مرتکب گناه نشود بسیار زیاد است. یقین داشته باشید، تا زمانی که نیروی ایمان و تقوا در وجود انسان بارور و تقویت نگردد، هیچ ضمانتی از شهوت و انحرافات اخلاقی وجود ندارد. به خصوص در وضعیت کنونی که عوامل تحریک‌کننده بسیار زیاد است. بنابراین قبل از هر چیزی سعی کنید نیروی ایمان و تقوا را در وجود خویش بارور کنید. (آجدانی، طباطبایی امین، ۱۳۹۰: ۱۹)

۲-۲-۵. پرورش حیا

از اهمیت والای حیا و ارزش آن هویداست که حیا یکی از ابزارهای بازدارنده از انجام کارهای زشت و ناپسند و محرکی برای انجام اعمال شایسته است، حفظ حریم‌ها بسیار سازنده است و نتیجه آن این است که امنیت در جامعه حاکم می‌شود. - این امر زمانی در خشش بیشتری می‌یابد که بدانیم نتایج نابودگر بی‌حیایی عبارتند از: تکرار ناشایسته‌ها و جهالت‌ها، شکستن حرمت‌ها، از میان رفتن خردورزی، نادیده گرفته شدن علم، زوال امنیت اخلاقی، مرگ تمام خوبی‌ها و... به این نکته باید توجه داشت که هر نوع حیایی صحیح نیست؛ چراکه حیا خود بر دو نوع است: حیای عاقلانه که انسان، چه در خلوت و چه در معرض دید دیگران، مرتکب فعل حرام نمی‌شود و همواره خود را در محضر خدا می‌بیند؛ حیای جاهلانه که انسان به علت کم‌رویی،

بسیاری از مسائلی را که نمی‌داند، نمی‌پرسد و در نتیجه، همواره نادان می‌ماند حضرت علی در توضیح حیای پسندیده و عاقلانه فرمود: «شرم و حیا جامه‌ای است در بردارنده و حجابی است بازدارنده (از گناه) و پوششی است نگاه‌دارنده از بدی‌ها. حیا گوهری است همراه با دین، برانگیزنده مهر و محبت و چشمی است مراقب و از بین برنده فساد و تباهی و بازدارنده از فحشا و زشتی‌ها». البته حیا هم بازدارنده است و هم وادارنده؛ اگر حیا فقط بازدارنده باشد، تنها در جایی می‌توان از آن استفاده کرد که باید کاری ترک شود و تنها به کسی می‌توان حیا را توصیه کرد که قصد دارد کار ناشایستی را انجام دهد، اما اگر گذشته از بازدارندگی، وادارنده نیز باشد، برای انجام دادن کارهای شایسته‌ای که احتمال ترک آنها می‌رود نیز می‌توان از حیا استفاده کرد.

یکی از دلایل اصلی وجود حیا در انسان، حفظ عفت و مهار شهوت است. مرد در خانواده به عنوان پشتوانه و استوانه در برابر رشد و انحطاط انسانی اعضای خانواده مسئول است. مهم این است که مرد و زن نسبت به حیای دینی خانواده دغدغه داشته باشند و تنها با تأمین نیازهای مادی، مسئولیت را تمام شده نپندارد. بدیهی است رفتار شایسته و کردار بایسته همراه با حیا و عفاف مرد و زن در خانواده، بهترین الگوو تأثیرگذارترین پیام راستی و درستی است و باید نتیجه را به خداوند واگذاریم. امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمودند: «حیا از ایمان است و ایمان در بهشت». (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۶/۲)

در آیات مورد بحث روی سخن را به همه مؤمنان کرده و دستوراتی درباره تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده به آنها می‌دهد. نگهداری خویشتن، به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگهداری خانواده، به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است.

در الدر المنثور است که: عبد الرزاق، فارابی، سعید بن منصور، عبد بن حمید، ابن جریر، ابن منذر، حاکم (وی حدیث را صحیح دانسته و بیهقی در کتاب «المدخل»، از علی بن ابی طالب روایت آورده اند که در تفسیر آیه «قوا أنفسکم و أهلیکم نارا» فرمود: «خود و زن و بچه خود را تعلیم خیر دهید، و آنان را ادب نمایید.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۴۴/۶)

در روایات فراوانی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سفارش کرده اند که والدین از شش سال اعمال دینی را به کودکان آموزش دهند و آنها را به نماز خواندن تشویق نمایند.

شناساندن آثار حیا تبیین حکمت‌ها و آثار حیا از سوی والدین، برای نوجوان تشنه فضیلت و حقیقت، در اخلاق و رفتار وی بسیار موثر خواهد بود. والدین باید به بیان اهمیت و نتایج ارزشمند آن برای فرزندان بپردازند. در احادیث معصومان به این شیوه توجه شده است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنِ الْفُجْيِ حَيَاءُ، انسان را از انجام کارهای زشت باز می‌دارد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۷) هدف حیا این است که انسان توانمندی پیدا کند که خودش از انجام کارهای زشت باز داشته شود و از این که بخواهد عمل قبیح را مرتکب شود شرم نماید. از این روست که در کلام دیگری از امام «ورع» با «حیا» پیوند داده می‌شود و می‌فرماید: بهترین نوع پرهیزگاری، آن است که در خلوت خود نیز عملی را که از آشکار کردن آن شرم داری، انجام ندهی. والدین باید با تشریح اهمیت و آثار حیا آن را در نوجوان خویش درونی کنند در برابر انحرافات جنسی نیز مصونیت یابند؟.

برای ظهور و تقویت صفت زیبای حیا، علاوه بر راهکارهای علمی، در آیات قرآنی و روایات راه‌های عملی فراوانی نیز توصیه و سفارش شده است که مهمترین آنها در این اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- تقویت ایمان و باور دینی خانواده.

۲- فراهم کردن زمینه ازدواج جوانان.

۳- اظهار انزجار از عمل قبیح.

۴- انتخاب دوستان با حیا.

۵- رفتن به مساجد و اجتماعات مذهبی.

۶- معماری اسلامی خانه ها.

۷- پرهیز از قرار گرفتن در خلوت.

۸- توجه دادن فرزندان به حضور ناظران.

۹- تظاهر به حیا.

۱۰- الگودهی عملی والدین.

۱۱- توجه به نقش وراثت در ظهور حیا.

۱۲- ترویج سیره عملی معصومین در خانواده.

۱۳- غیرت ورزی.

۱۴- رعایت شیوه های کنترل تحریکات جنسی. (علوی، ۱۳۹۶: ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶)

۲-۶. دوری از مصاحبت با دوست بد

همنشین و دوست بد یکی از زمینه های اجتماعی گناه، همنشین و دوست بد است. چنان که همنشین و دوست خوب، عامل مهمی برای سوق دادن فرد و جامعه به سوی کارهای نیک است.

به هر حال از نظر علمی و عملی و تجربه ثابت شده که انسان از ناحیه ی دوست و معاشر تحت تأثیر قرار می گیرد و دوست و معاشر بد عامل ویرانگری برای نابودی شخصیت انسان است. چنان که دوست و همنشین خوب عامل سازنده ی شخصیت انسان می باشد.

انسان های بد، پسر نوح عل را نیز به سوی گناه می کشانند و خاندان نبوت او را از او می ربانید. ولی سگ اصحاب کهف بر اثر مصاحبت چند روزه با جوانان با ایمان و خوش قلب و پاکبازی چون اصحاب کهف، خوی نیک آدمیت پیدا می کند. (باقری طالقنکی، ناصری نژاد، ۱۳۹۰: ۲۶۱/۱)

از امام علی (علیه السلام) می فرماید: «بر اثر معاشرت با نابخردان، اخلاق فاسد می شود و بر اثر همدمی با خردمندان، اخلاق به درستی می گراید. مردمان گونه گونه اند و هر کس به گونه (ساختار) خود عمل می کند. مردم با هم دوستی می کنند؛ پس هر کس دوستی او برای غیر خدا باشد، آن دوستی به دشمنی می انجامد و این سخن خدای تعالی است که دوستان در آن روز با هم دشمنند، مگر پرهیزگاران». (محمدی ری شهری، ۱۴۲۷: ۳۰۸/۶)

نجاشی یکی از شعرای اهل بیت علی (علیه السلام) بود که در زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) می زیست و برای امیر المؤمنین (علیه السلام) اشعار می گفت. آدمی متدین بود که دین در دل او رسوخ کرده بود. در ماه رمضان یک روز قبل از ظهر می رفت به مسجد که نماز بخواند، رفیق نا اهل او در خانه نشسته بود، به او سلام کرد و گفت: آقای نجاشی کجا می روی؟ گفت: می خواهم بروم مسجد مقداری قرآن بخوانم، تا امیر المؤمنین (علیه السلام) بیاید و پشت سر او نماز بخوانم. گفت: بیا برویم خانه، یک شراب نابی دارم، یک بره گوسفند هم دارم. نجاشی تکان خورد، گفت: در ماه مبارک رمضان این حرف ها چیست که میزنی؟ گفت: اشتباه کردم، بیا تا با تو حرف بزنم. نجاشی را کشاند توی خانه و شروع به وسوسه او کرد و گفت: خدا ارحم الراحمین است بیا امروز خوش باشیم و گناه کنیم، فردا توبه می کنیم. با این وسوسه ها هم برد را به خورد نجاشی داد.

به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خبر دادند که شاعرت، آن که صف اول می‌ایستد به نماز جماعت، شراب خورده است. امام فرمودند، صاحب خانه و نجاشی را بیاورید، آنها باید حد بخورند. نجاشی فرار کرد، اما صاحب خانه را گرفتند و حد را جاری کردند. نجاشی متشخص و آبرو دار و طایفه دار بود، شب بعضی از بزرگان طایفه اش خدمت امیر المؤمنین (علیه السلام) آمدند واسطه شدند و گفتند: اگر نجاشی حد بخورد، آبروی طایفه می رود و این طایفه دشمن شما می شوند. امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: من باید حکم شرعی را انجام دهم ولو این که تمام جهان به من پشت کنند. بالاخره نجاشی را دستگیر کردند و حد جاری شد. نجاشی همان شب که شلاق خورده بود به شام فرار کرد. معاویه خبر دار شد، نجاشی آمده است. جلسه خیر مقدم برای او گرفت، و وزیران و سفیران و اشرافیان را دعوت کرد. تشریفات برگزار شد، سپس معاویه رو به نجاشی کرد و گفت: من این جلسه را برای تو گرفته ام. گفت: می دانم. گفت: امیر المؤمنین (علیه السلام) هم آن کسی است که شلاقت زده و تو را فراری داده، گفت: این را هم می دانم. گفت: پس بلند شو و از من تعریف و تشکر کن و مقداری هم از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) بدگویی کن. نجاشی بلند شد و ایستاد و به جای این که از معاویه تعریف کند، از امیر المؤمنین (علیه السلام) تعریف و از معاویه انتقاد نمود. (مظاهری، ۱۳۹۵: ۳۸۸ - ۳۸۵)

نتیجه گیری

مقاله حاضر تحت عنوان «راه‌های کنترل طغیان جنسی» است. بیشترین گناهان یک جوان ناشی از برافروختگی نیروی شهوت در او است. دینداری و معنویت تا حدود زیادی انسان را از آلودگی حفظ می کند، ولی در هر صورت انسان دارای غرایزی است که اگر به موقع و به صورت صحیح ارضا نشود، سلامتی بدن و روانی و حالتهای معنوی انسانی را نیز دچار چالش خواهد ساخت. نیروی غریزه در انسان به قدری قوی است که گاهی باعث شکسته شدن مقاومت افرادی می شود که به علم و عمل مشهور عام و خاص بودندند. باید سعی کنید هر چه زودتر پاسخ منطقی و مناسبی برای تامین نیازهای طبیعی و غریزی داشته باشید و زمینه ازدواج خود را به هر صورت که ممکن باشد فراهم سازید.

بهترین و اساسی ترین راهکارهای کنترل شهوت و ترک گناه ازدواج است اگر ازدواج به هیچ وجه مقدور نیست در این صورت چاره ای جز استفاده از روشهای کنترلی و پیشگیری هایی که گفته می شود نیست اما باید بدانید که این روش ها نیز تا حدودی می تواند این نیروی بسیار قوی را کنترل و مهار کنند و راهکار اصلی همان ازدواج است.

منابع

* قرآن.

۱. آجدانی، نسرین، طباطبایی امین، طاهره سادات، (۱۳۹۰)، "راهکارهای مقابله با انحرافات جنسی در قرآن کریم"، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۲۷.
۲. ابراهیمیان، (۱۳۷۹)، "شهوت پرتگاه روح انسان"، علوم تربیتی، شماره ۱۲۰.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (بی تا)، تفسیر القرآن العظیم، (مصحح: علی شیری)، ج ۳، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. باقری طلاقانکی، سبزیلی، ناصری نژاد، اعظم السادات، (۱۳۹۰)، برای تمام خانواده ها، ج ۱، چاپ هفتم، قم: بوستان احمدی.

۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، (محقق و مصحح: مصطفی درایتی)، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات.
۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه فارسی دهخدا، ج ۵، چاپ دوم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۷. زارعی، محمد مهدی، (۱۳۹۰)، "درآمدی بر جایگاه اخلاق در ازدواج و حقوق خانواده"، فقه و اصول، شماره ۸۷.
۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴)، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، ج ۶، چاپ اول، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (رحمة الله علیه).
۹. علوی، سیده مرضیه، (۱۳۹۶)، جلوه‌های حیا در روابط خانوادگی، چاپ اول، قم: نشر هاجر.
۱۰. فقیه‌هی، علی نقی، (۱۳۷۸)، تربیت جسمی، مبانی اصول و روشها از منظر قرآن و حدیث، چاپ اول، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر.
۱۱. فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۳۸۳)، المحجۀ البیضا فی تذهیب الحیاء، ج ۳، چاپ اول، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۲. قائمی، علی، (۱۳۶۰)، خانواده و مسائل نوجوان و جوان، چاپ اول، قم: انتشارات شفق.
۱۳. کانون نشر احکام، (۱۳۹۲)، رساله مصور، ج ۱، چاپ اول، قم: اطلس تاریخ شیعه.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، ج ۲، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد، (۱۴۲۷)، میزان الحکمه، ج ۶، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
۱۶. مظاهری، حسین، (۱۳۹۵)، تربیت فرزند از نظر اسلام، چاپ هجدهم، قم: بین المللی.
۱۷. معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی (دکتر محمد معین)، ج ۱ و ۲، چاپ دوم، تهران: انتشارات زرین.
۱۸. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۱۹. سایت ویکی فقه (دانشنامه حوزوی)، استعانت، تاریخ و ساعت داندود: ۱۴/۱۰/۱۳۹۹، ۲۳:۵۵، <http://wikifeqh.ir>